

"یک پیشخدمت لایق"

مترجم :

Zeinab

کاری از تیم :

ویراستار :

Flaxen Guys

F_S_S12

کلینر :

Mika Nozen



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guys

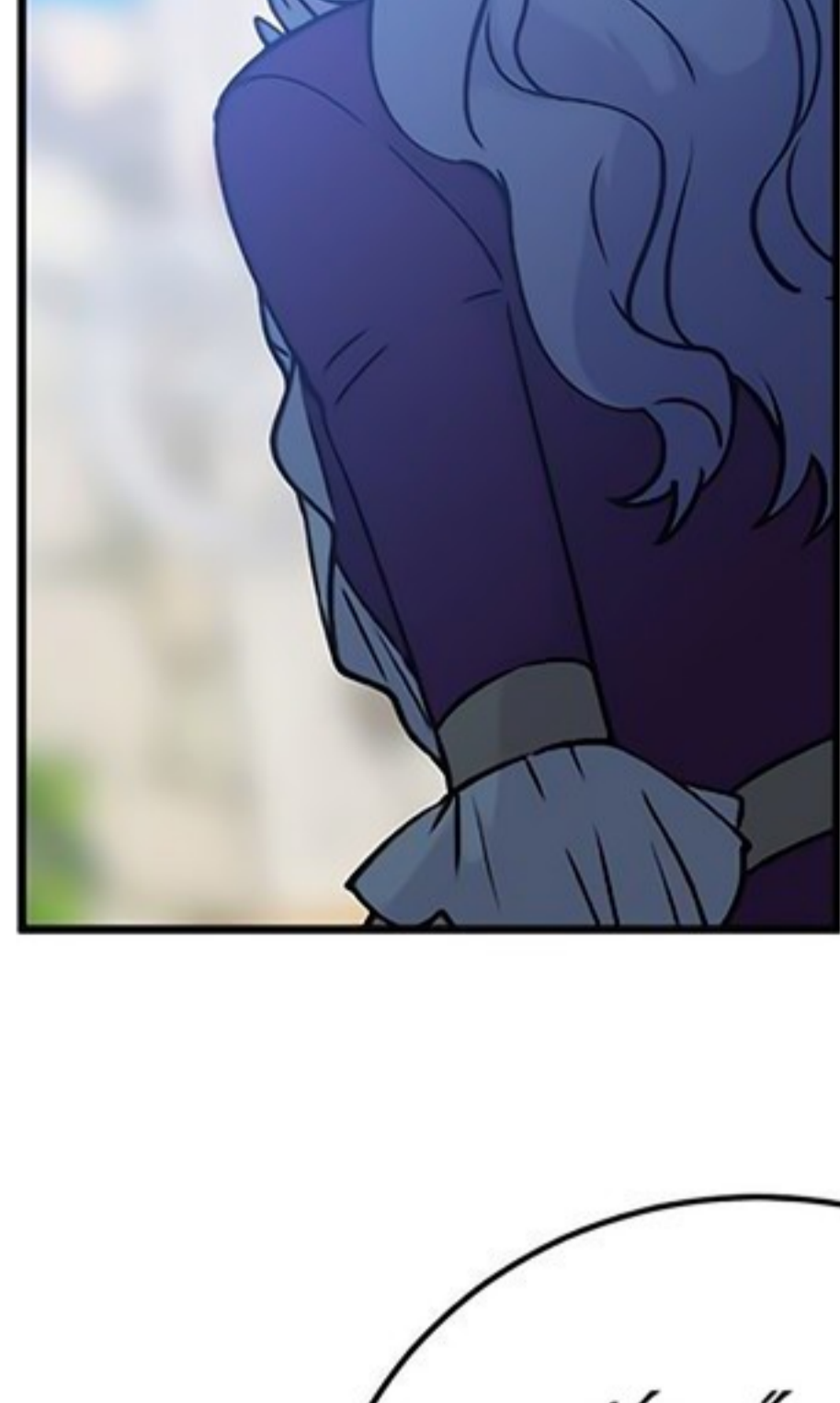


@FlaxenGuys

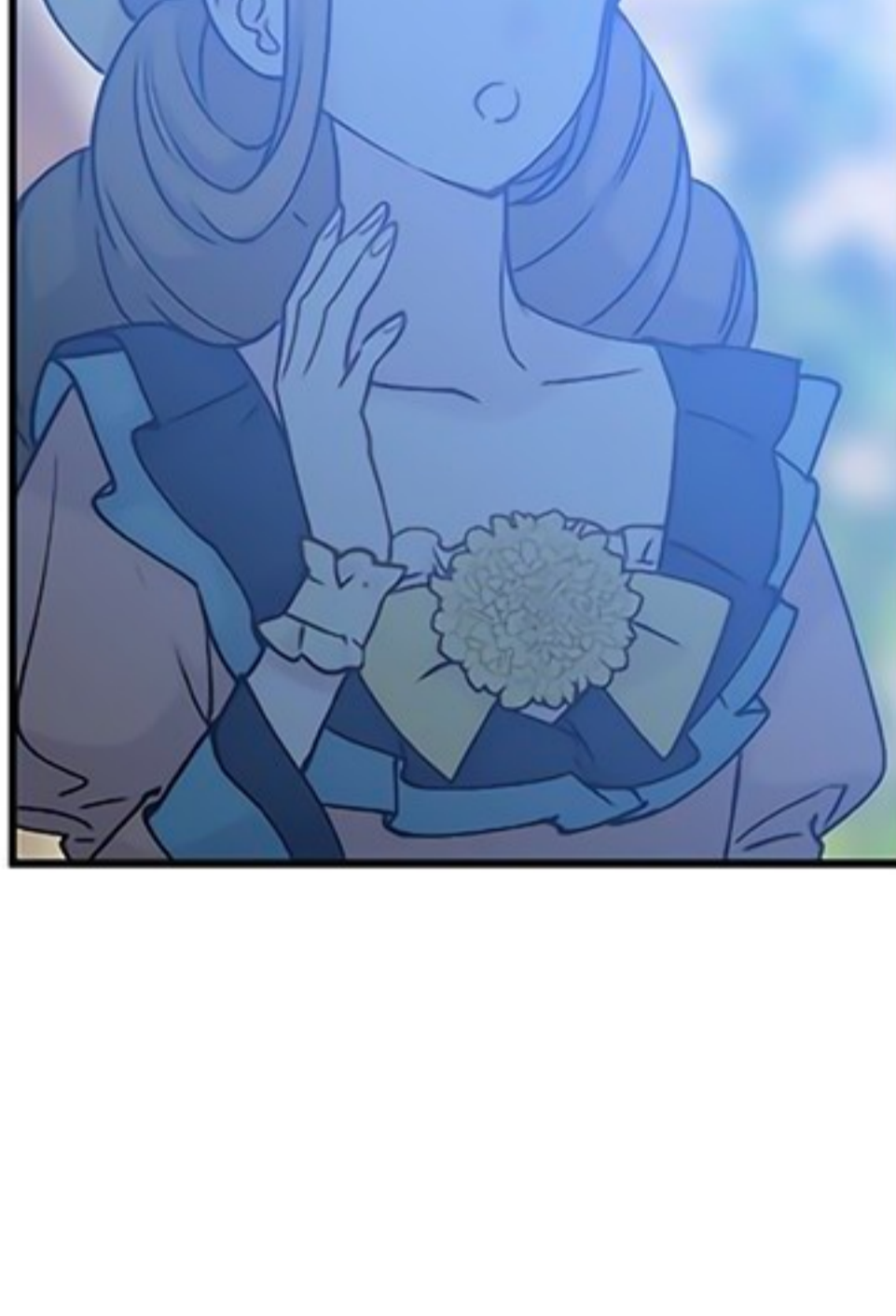
تایپیست :

لاکس

خبراً رو شنیدی؟
مثل اینکه کسی که
جام مقدس رو دزدیده،
بانو هیلدرون بوده!



می‌گن که
جوهرات دزدیده شده
تو اتاق اون پیدا شده،
درسته؟



ظاهراً راجع به اینکه
جام مقدس کجاست، سکوت
کرده. احتمالاً خیلی زود معلوم
می‌شه کجاست.



او... فکر
می‌کنی به ولیعهد
نزدیک شده...

تا آخر سر
همچین جرمی رو
انجام بده؟



نمی‌دونم.

راستی،
بانو ریچل،



شما خیلی با
بانو هیلدرون وقت
می‌گذرونیدین...

شما احیاناً چیزی
نمی‌دونین؟



همم، مطمئن
نیستم...



من واقعاً
فکرشم نمی‌کردم
بانو هیلدرون همچین
کاری بکنه.

خبراً منو
هم شوکه
کرد.

د-د-د

(اوه، واقعاً...
این خیلی به...)



بانو ریچل،
به چی دارین نگاه
می‌کنین؟

به دفتر
استخدام قصر
ستاره.



هیچوقت
نتونستم بفهمم
چجوری این مدارکو
می‌خونن.

معلومه که تو
نمی‌توننی. به‌هرحال،
این کار منه.



به‌هرحال،
من هیچوقت فکر
نمی‌کردم بانو هیلدرون
همچین کاری بکنه.

به چشم
من آدم خوبی
بود...



منم
همین فکر
می‌کردم.

ه-ه-ه

یکم
احساس شرمندگی
می‌کنم.

نمی‌خواستم
اوضاع انقدر بد
بشه.

خیلی زود جام مقدسو
از قصر بیرون می‌برم.

آه از اون روش استفاده
کنم، هیچ‌کس نمی‌فهمه.

'ممنونم که باهام
همکاری کردی.'

*Katarack of Olsden

'دوست تو، کنت
کاتاراک، از خانواده‌ی
اولسدن.'

شاه یوهانس سوم
واقعا خارق‌العاده‌س.

چطوری از
جایی به اون دوری این
نقشه رو کشیدی؟

خب، این نظر من بود که
هزمان هم به اون موضوع
و هم به ماری برسیم.

نظر خوبی بود.
درسته؟ شاه یوهانس
فقط جام مقدس رو
لازم داشت.

پایان
کردن



این چای خیلی
خوشمزه‌س.

منو سرزنش نکن.



چون تقصیر خودت‌که
چشم ولیعهد گرفت،

قراره چی کار
کنید؟



قراره بذارین
این مشکل به حال
خودش بمونه؟

اعلیحضرت!

اُرن.

من الان حال خوبی ندارم، پس می‌تونم لااقل به لحظه دهنتمو ببندی؟



فکر می‌کنی اینجا کجاست؟ برگرد!

سرو صدا

سرو صدا

من باید جناب ولیعهد رو ببینم!



اگ مجازات بشم هم مهم نیست،

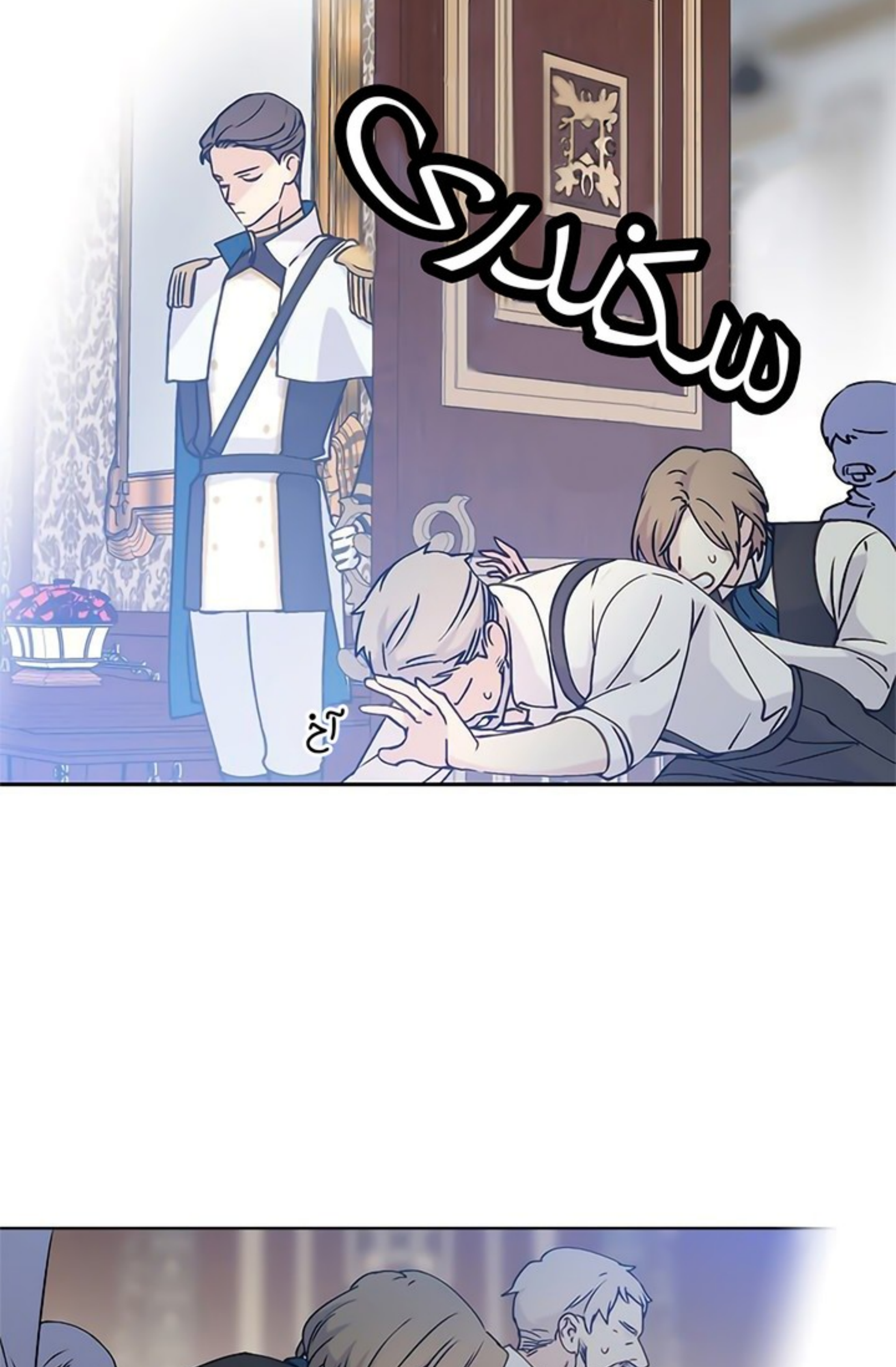
پس فقط همین یه بار اجازه بدین عالیجنابو ببینم!



موضوع چیه؟ در رو باز کن.

غیرتاز

سنگدل



لطفاً ما رو به خاطر گستاخیهون ببخشید، سرورم!

ماری...!

نه، بانو هیلارون آدمی نیست که همین کاری بکنه!



کدام تو کله افتاده
پس نوازش می کنیم
به ما گوش بریز!

شماها
اومدین که بگین ماری
بی گناهه؟

با کدوم
مدرک؟

ای کنت
مدر فتن

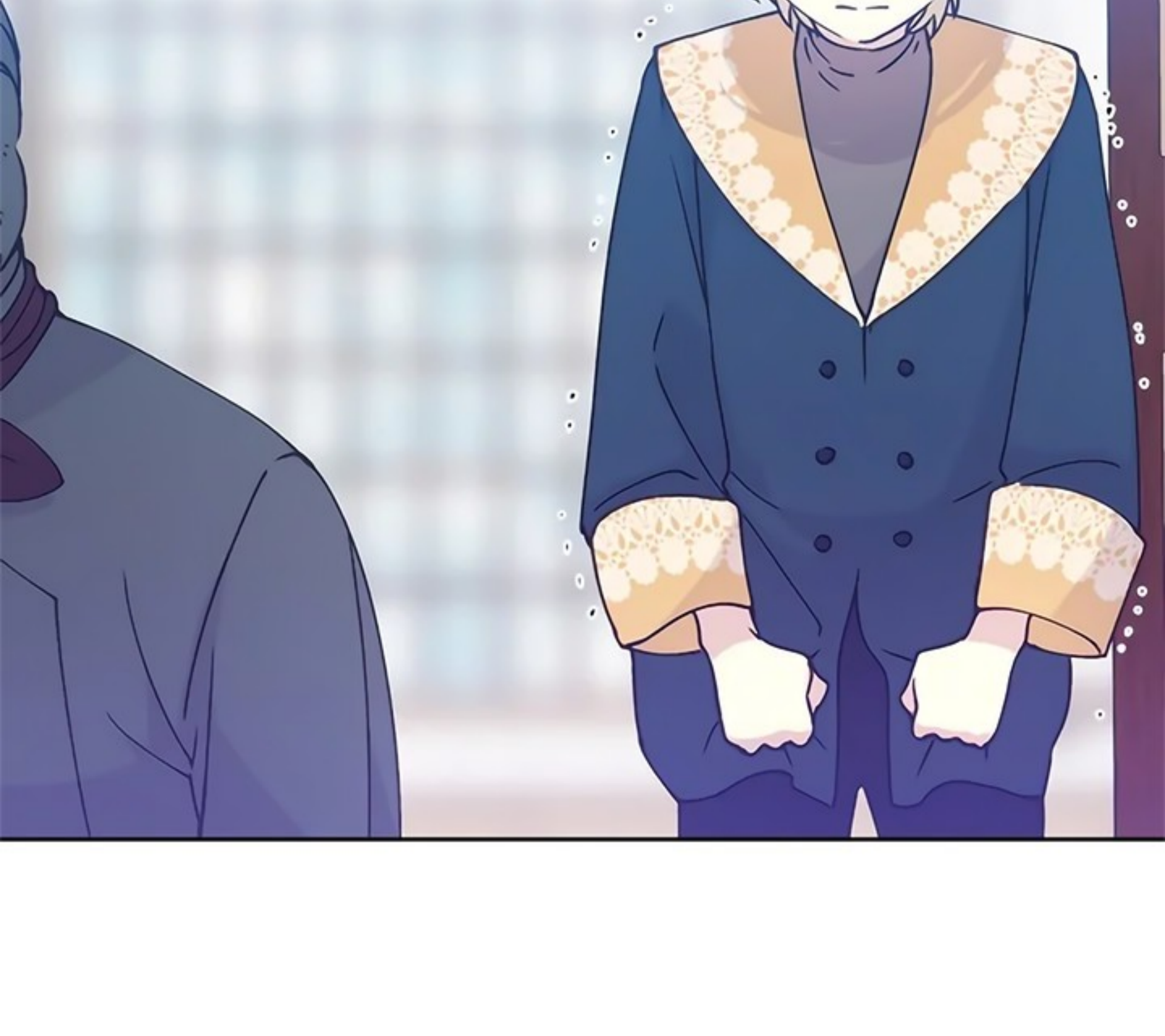
... ما
هیچ مدرکی ...

ولی ما
اونو خیلی خوب
می شناسیم!

ما مطمئنیم
هیچ وقت دست
به هیچین جرمی
نهی زن!

... منم
همین طور فکر
می کنم!

... شاهزاده‌ی
دهم، اسکار، به برادر
درود می فرسته.



لـ اصلاً امکان نداره که
ماری بتونه هیچین جرمی
مرتکب بشه!

اگه اون واقعاً دست
به هیچین جرمی زده،
لطـ لطفاً منوبه جای اون
مجازات کنید!

چون ماری قبلاً
به جای من بخاطر گناهانم
مجازات شده بود،

ایین دفعه
من به باش مباراتو
قبول می‌کنم!

لرزیدن
لرزیدن

منم
می‌خوام چیزی بگم،
عالیجناب.

جناب
مارکئوس!

حرف بز،
مارکئوس.

من بدون
دلیل ادعا نمی‌کنم
ماری بی‌گناهه.

چون تو
این موقعیت،
ادعاهای بی‌اساس
بی‌فایده‌ن.

پس؟

یکم
به من وقت
بدید.

به نام خانوادگی
ستون قسم می‌خورم
حتی تا ته جهنم هم
می‌رم تا مقصر واقعی
رو پیدا کنم.

وقتی موفق
شدم، سرشونو
به شما تقدیم
می‌کنم،

پس خواهش
می‌کنم تا اون موقع
صبر کنید.

می‌بینی
ماری؟

ههی این
آدم‌بچه تو اعتماد
دارن.

ها

؟...

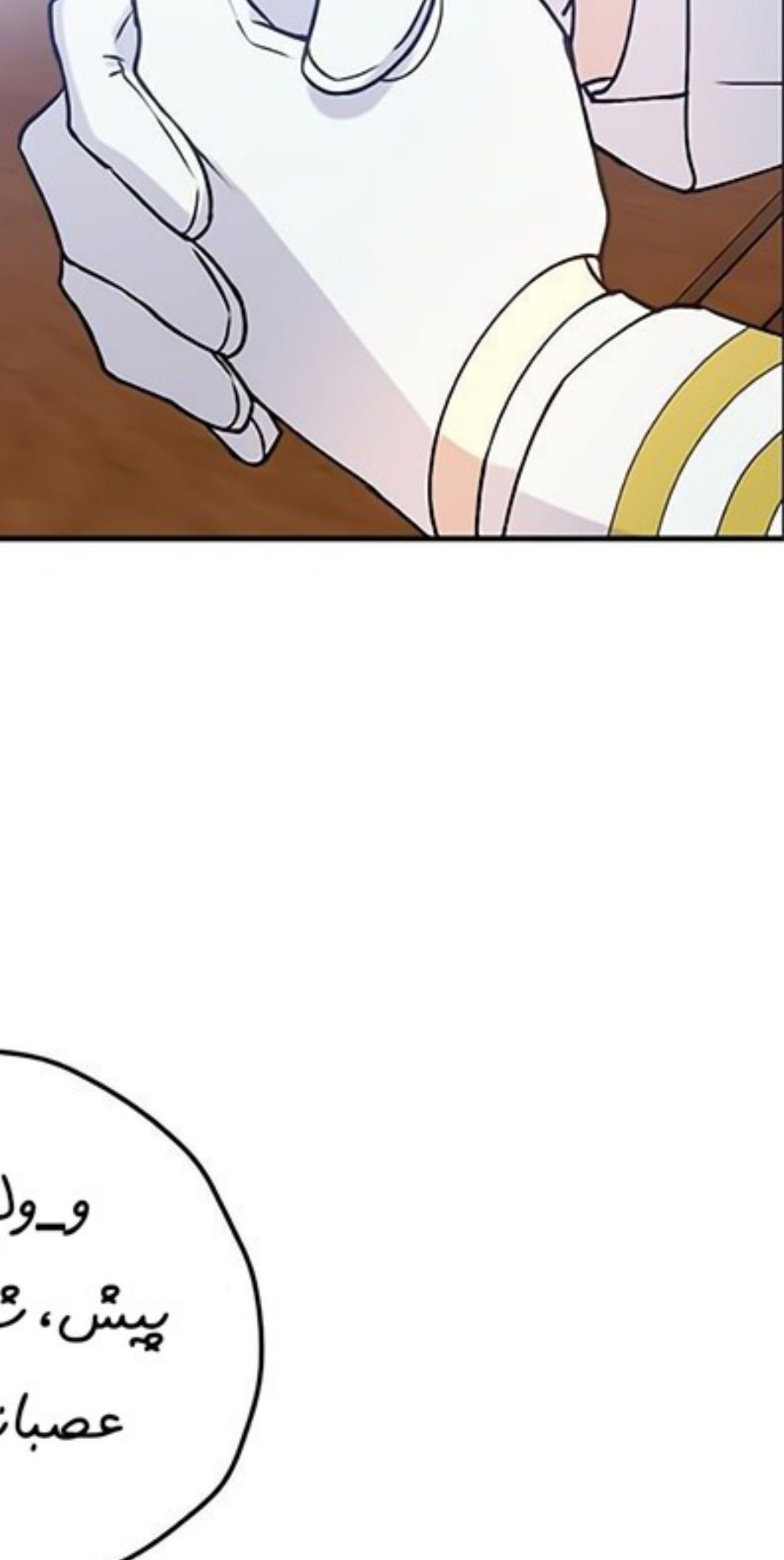


شما فکر کردین من راجع به ماری چه فکری می‌کنم؟

چی کارکنم؟ خیلی ترسناکه...

من ماری رو بهتر از همه می‌شناسم.

منم به بی‌گناهی ماری باور دارم.



وولی یکم پیش، ما گفتید که عصبانی‌اید...

سر و ته این ماجره بدجور رو مخمه.



پس... نخست‌وزیر چی؟

چی؟ من فقط داشتم می‌گفتم ما باید مجرم واقعی رو پیدا کنیم.

البته، برعکس شما، من کورکورانه به هیلدرون اعتماد ندارم.



ولی اگه اون واقعاً مجرم باشه،

اونقدر احمق نیست که وسایل دزدیده شده رو تو اتاقش مخفی کنه.



اوه، پس از قبل می‌دونستین؟

سرهچی انقلاسر و صداراه اناختیم...

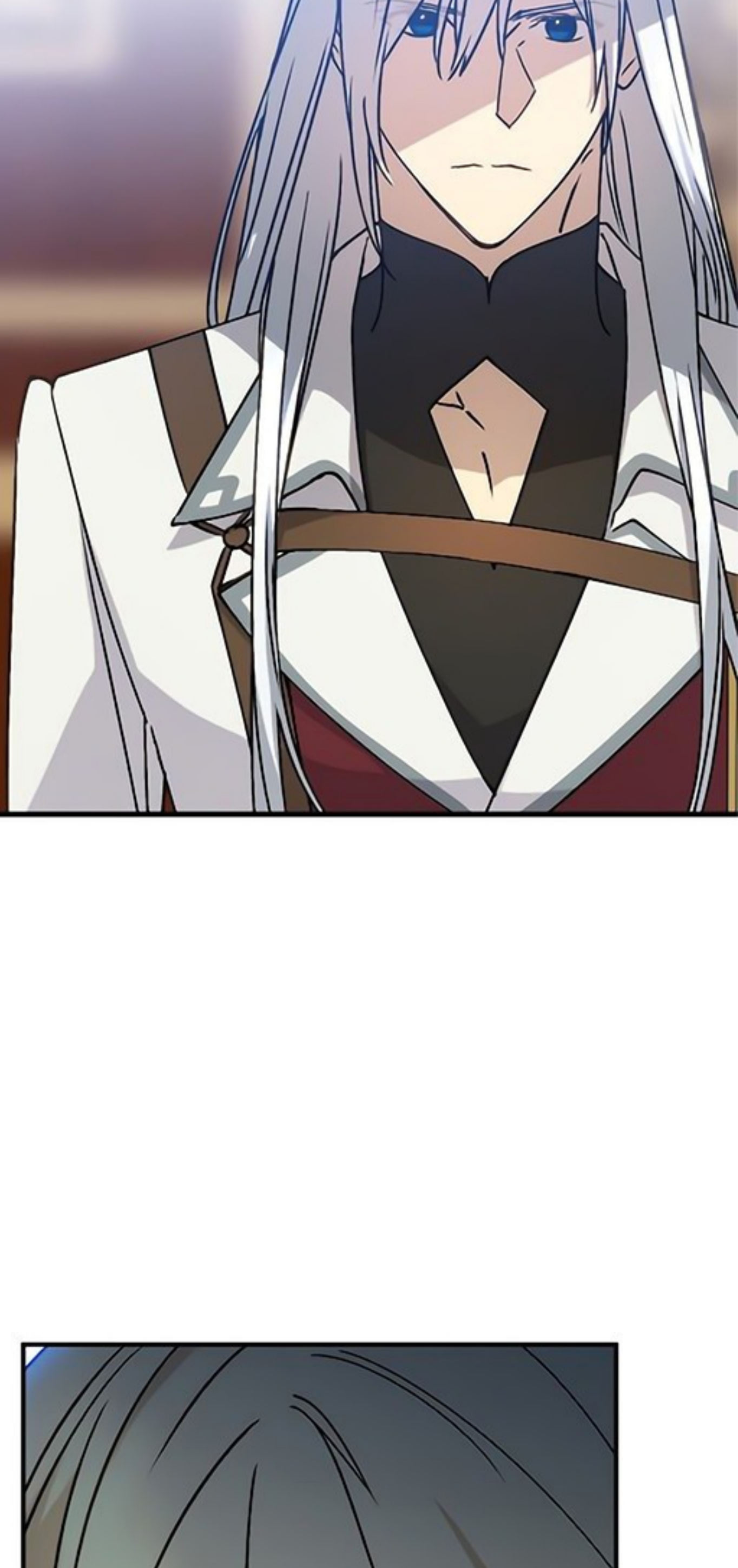
حالا من احساس شما رو درباره‌ی ماری می‌دونم، پس لطفاً برید.

باید راجبش فکر کنم.

می‌خواهیم! می‌معذرت

کنیک

این دفعه
منم کاملاً با تو
موافقم.



اونا جرئت
کردن اینجوری
برای ماری پاپوش
درست کنن.

هر کسی
که باشن، حتماً
به حسابشون
می‌رسم.



ولی
مارکتوس...

چیزی هست
که من نمی‌تونم
اجازه‌شو بدم.

وقتی مجرمین
واقعی رو پیدا کردی،
کسی که مسئولشونه
تو نیستی، منم.



اهمیتی
نمی‌دم اونا
کین.

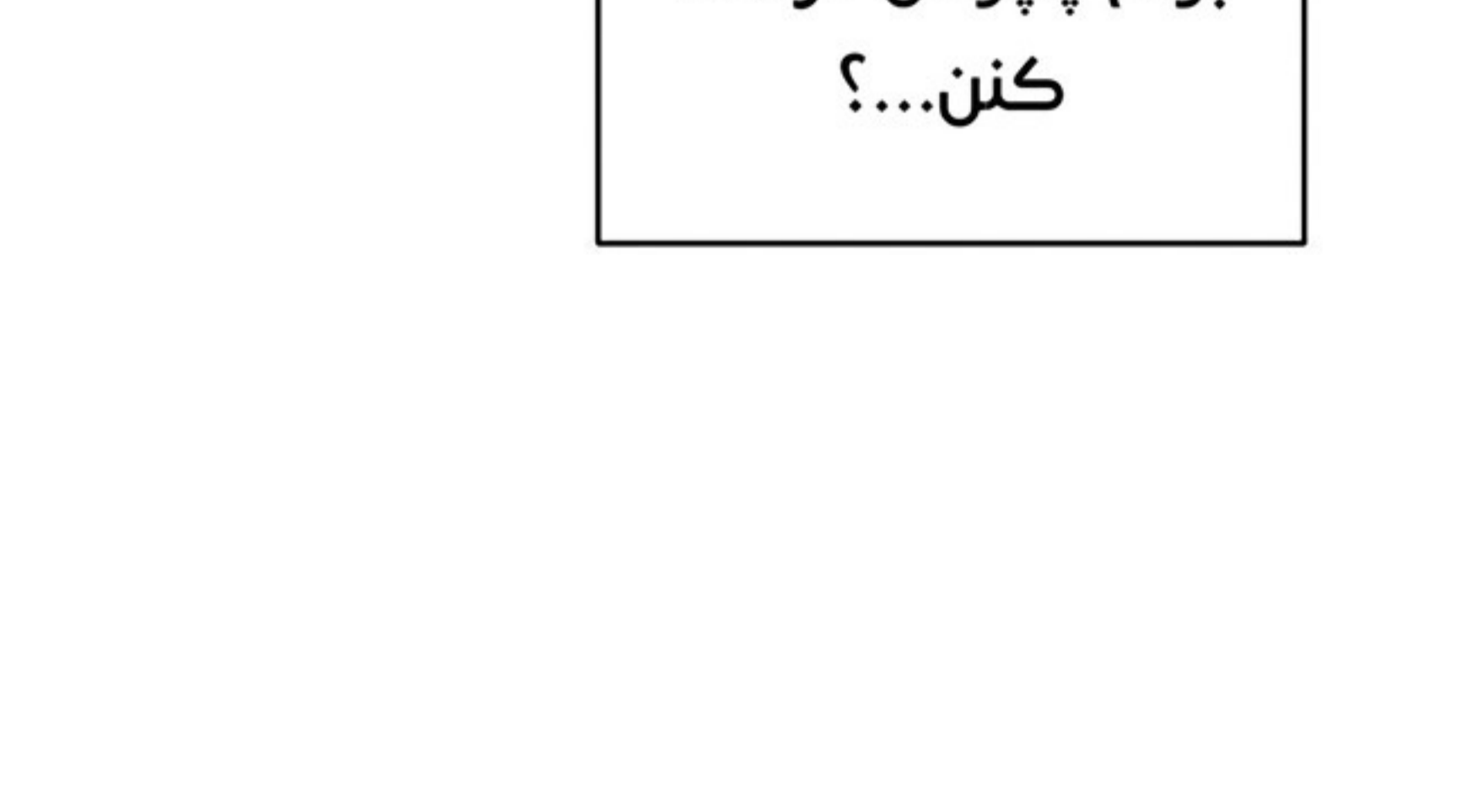
نیلز
نیلز

از اینکه
به دنیا اومدن،
پشیمونشون
می‌کنم.





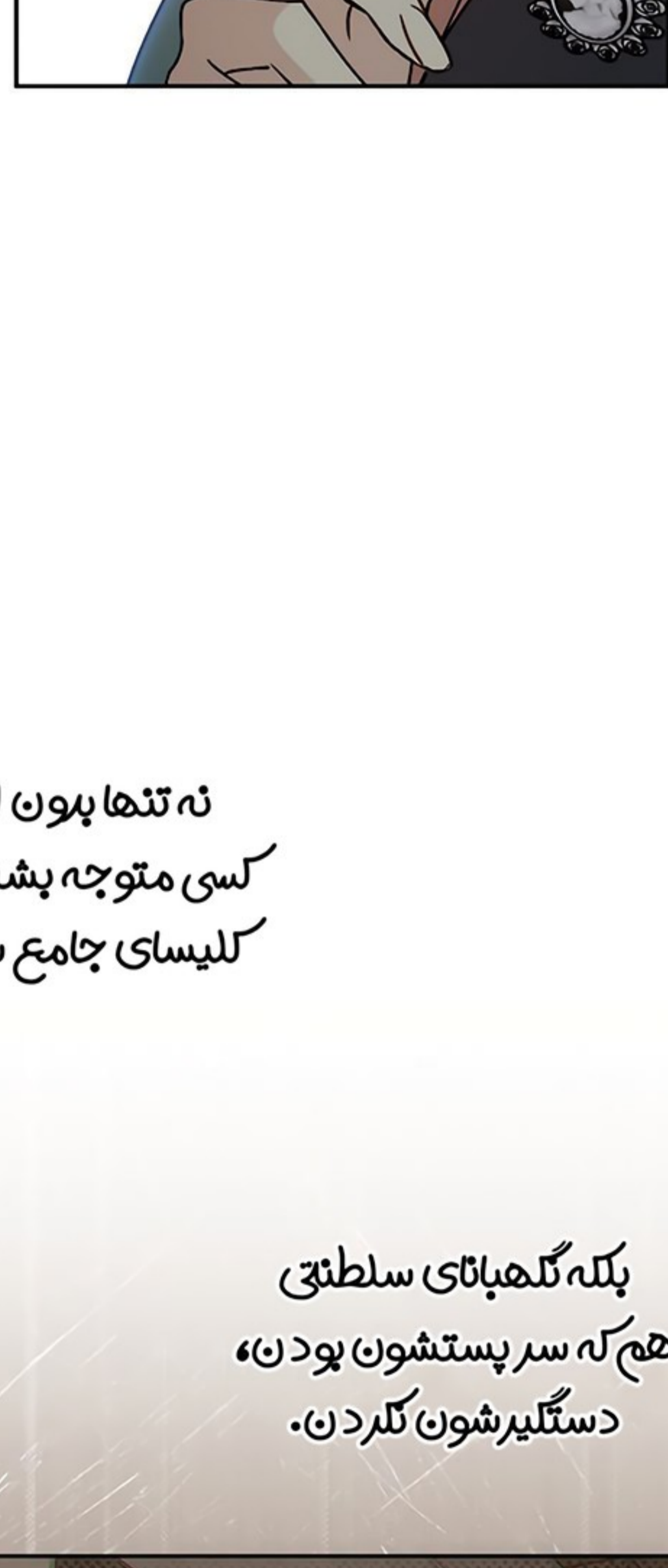
اونا کین؟



چرا می خوان
برام پاپوش درست
کنن...؟

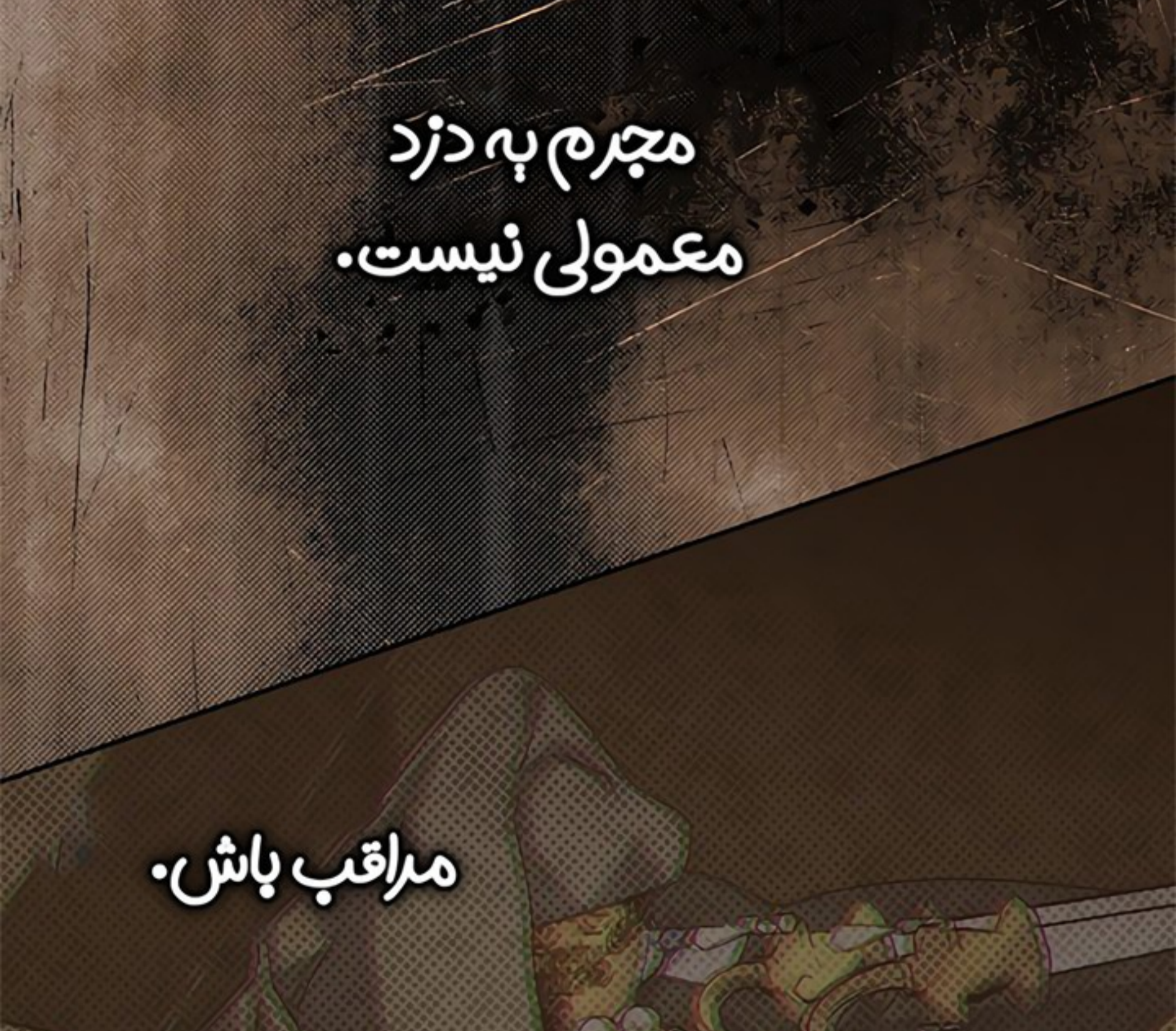
امکان نداره
جرمشونو تر و تمیز
انجام داده باشن.

حتماً یه ردپایی
از خودشون به
جا گذاشتن.



نه تنها بون اپنگه
کسی متوجه پشه، وارد
کلیسای جامع شدن،

بلکه گلهبائی سلطنتی
هم که سرپستشون بودن،
دستگیرشون نکردن.

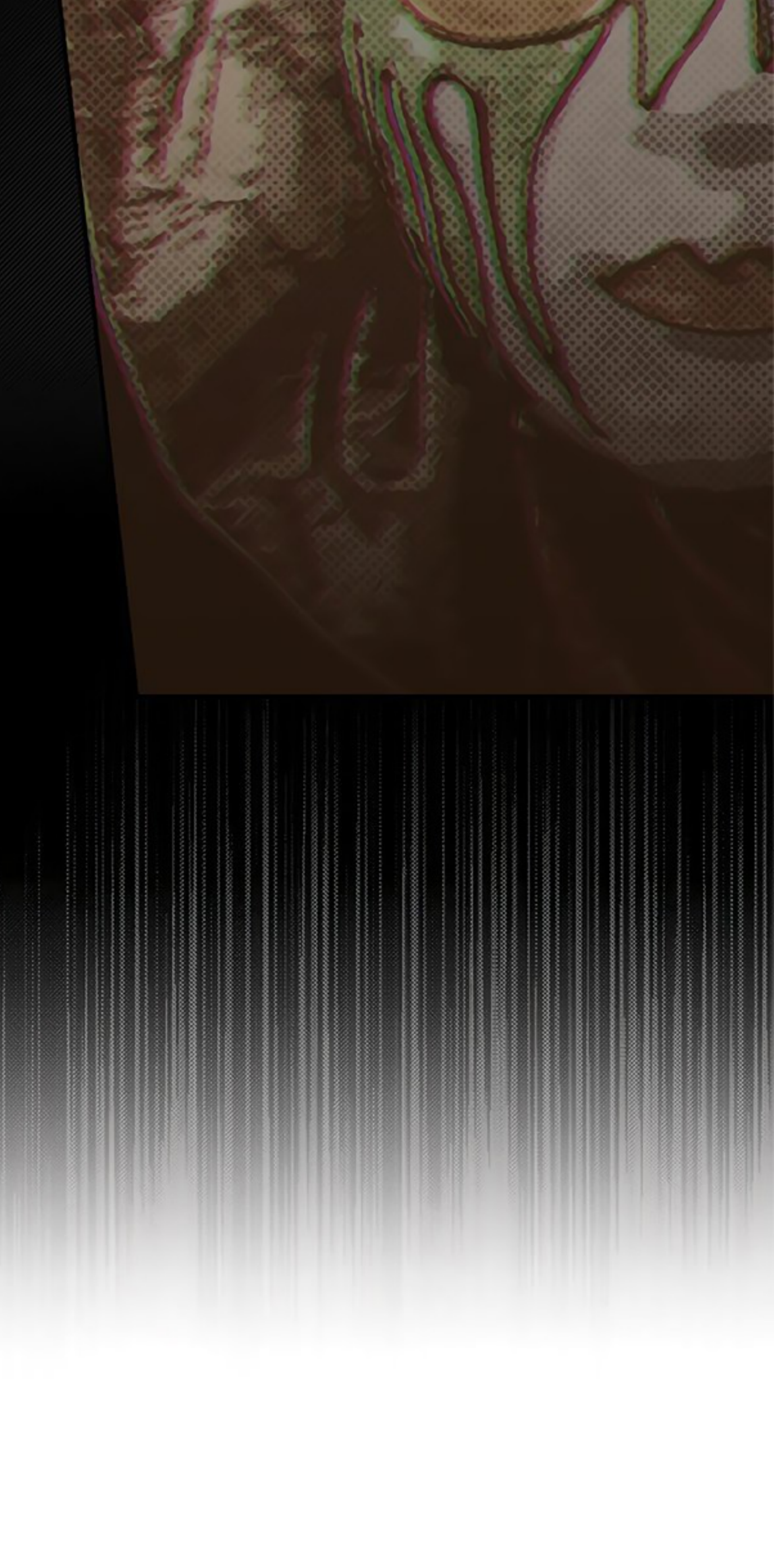


مجرم په دزد
معمولی نیست.

مراقب باش.

حتماً به شریکی داره که
مخغیانه بهش کمک کرده.

کی هی خواد منو
تو دردسر بنوازه؟



من باید بفهمم
چطورک جام مقدسو
دزدیدن تا بفهمم
مجرم واقعی کیه.

بهش فکر کن
مارک. باید یه جوابی
باشه.

خدایا، لطفاً بهم
کمک کن.

داخل
زمین...

داخل زمین.

فقط یه
احتمال وجود
داره.

... امکان
نداره.



اصلاً چطوری
ثابتش کنم.

من اینجا گیر
افتادم...!

بانو هیلدرون،
ملاقاتی دارین.



عالیجناب
ولیعهد تشریف
آوردن.

